
درآمدی بر اسطوره‌شناسی

نظریه‌ها و کاربردها

دکتر بهمن نامور مطلق

هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی



انتشارات سخن

www.ketab.ir

سرشناسه	: نامور مطلق، بهمن، ۱۳۴۱ -
عنوان و نام‌پدیدآور	: درآمدی بر اسطوره‌شناسی: نظریه‌ها و کاربردها / بهمن نامور مطلق
مشخصات نشر	: تهران: سخن، ۱۳۹۲
مشخصات ظاهری	: ۶۷۶ ص.
فروست	: نظریه‌ها و نقدهای ادبی - هنری؛ ۶.
شابک	: ۴ - ۶۶۱ - ۳۷۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
موضوع	: اساطیر - تاریخ و نقد
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۲ ۱۳۵۴/ن ۱۳۱۳ BL۳
رده‌بندی دیویی	: ۲۹۱/۱۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۲۴۲۶۷۸



انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه،

خیابان وحید نظری، شماره ۴۸

فکس: ۶۶۴۶۳۸۷۵

www.sokhanpub.com

E.mail: info@sokhanpub.com

درآمدی بر اسطوره‌شناسی

نظریه‌ها و کاربردها

تألیف: دکتر بهمن نامورمطلق

نظریه‌ها و نقدهای ادبی - هنری

لینوگرافی: کوثر

چاپ: دایره سفید

چاپ اول: ۱۳۹۲

تیراژ: ۱۶۵۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۷۲-۶۶۱-۴

مرکز بخش: خیابان انقلاب، تهران، مقابل دانشگاه، شماره ۱۲۲۴

تلفن ۶۶۴۶۰۶۶۷

فهرست

پیشگفتار	۹
مقدمه	۱۳
فصل نخست: پیدایش و گسترش دانش اسطوره‌شناسی	۵۱
فصل دوم: اسطوره‌شناسی تطبیقی ۱. فیلولوژی	۹۷
فصل سوم: اسطوره‌شناسی تطبیقی ۲. کنشگرایی	۱۳۹
فصل چهارم: تک‌اسطوره	۱۸۷
فصل پنجم: اسطوره - گونه‌شناسی	۲۴۹
فصل ششم: اسطوره‌سنجی	۳۴۹
فصل هفتم: اسطوره‌کاوی	۴۴۳
فصل هشتم: بوطیقای اسطوره‌ای	۴۹۱
فصل نهم: اسطوره - متن	۵۰۷
فصل دهم: سراسطوره	۵۷۷
نتیجه	۶۶۰
کتابنامه	۶۶۸



نقد و رویکردهای نقد ضرورت پیشرفت ادبیات و هنر و به طور کلی فرهنگ هر جامعه‌ای محسوب می‌گردند. بدون نقد دگرگونی و بدون دگرگونی پیشرفت و تکامل حاصل نمی‌شود. جامعه‌ای که در آن نقد نباشد نمی‌تواند به اصلاح و توسعه خود امیدوار باشد همانطور که اگر در حوزه مطالعات علمی آشنایی با نقد و اهمیت آن صورت نگیرد به دور باطل گرفتار می‌گردد. اگر نقدی نباشد تکرار را بوقف است.

نظریه‌ها و روشهای نقد هر یک به بخشی حاصل از اثر هنری می‌پردازند یکی به صورت و دیگر به محتوا، یکی به درون متن و دیگری به برون متن، یکی به نشانه و دیگری به مضمون و... این درست است که نقدها همگی کم و بیش تقلیل‌گرا هستند اما در عین حال لازم و ضروری‌اند به همین دلیل است که هر آینه نظریه و روشی نو یا نوشته در عرصه ادبیات و هنر ظهور می‌کند و هر یک از این رویکردها نیز بر یک عنصر از میان انواع عناصر مرتبط با هنر و ادبیات تأکید ویژه‌ای می‌ورزند.

رویکرد اسطوره‌شناسی ادبیات و هنر بر عنصر اسطوره در متون ادبی - هنری تأکید دارند و بر محور همین عنصر به تحقیقات می‌پردازند. از نظر اسطوره‌پژوهان در حوزه ادبیات و هنر عنصر اساسی و کانونی آثار یا دست

کم بخش گسترده‌ای از آثار مربوط به اسطوره می‌شود. بنابر این شناخت اسطوره‌ای یک اثر شناخت کانونی و مرکزی آن است و با رمزگشایی از این عنصر مهمترین و اساسی‌ترین بخش یک اثر رمزگشایی می‌شود.

به همین رو برخی از محققان بزرگ زندگی علمی خویش را وقف شناسایی رمزگان اسطوره‌ای کرده‌اند. در این باره نظریه‌ها و روشهای گوناگونی شکل گرفتند که هر یک در پاسخ به شرایط گفتمان دوران خویش و پارادایم مسلط انجام شده است. اسطوره‌شناسان و محققان ادبی-هنری اسطوره‌ها توانسته‌اند همگام با این پارادایمها، نظریه‌ها و روشها حتی تعاریف تازه‌ای از اسطوره و راهبردهای نوینی برای مطالعه آن ارائه کنند.

متأسفانه رویکرد اسطوره‌شناسی و کاربرد آن در حوزه ادبیات و هنر کمتر در ایران مورد اقبال و توجه قرار گرفته است. دلایل گوناگونی برای چنین کم‌توجهی‌ای وجود دارد دلایلی که برخی را می‌توان به تمام رویکردهای نقد تعمیم داد اما دلایلی نیز وجود دارند که این مسئله را در رویکرد اسطوره‌شناسی تشدید کرده است. در مورد این دلایل - یا دست کم بخشی از آن - سخن گفته خواهد شد. در نتیجه نظریه‌ها و روشها بسیار دیر در ایران شناخته می‌شوند، چنانکه بهترین تحقیقات اسطوره‌شناسی و فرهنگهای اسطوره‌ای در کشور ما یا ترجمه‌های تألیفات خارجی را یا تألیفات بومی اما با چند نسل فاصله یعنی دیرتر از کشورهای پیشرفته هستند.

در مورد کتاب حاضر

کتاب حاضر می‌کوشد تا نظریه‌ها و روشهای شکل گرفته در اسطوره‌شناسی ادبی - هنری را از آغاز تا به امروز معرفی کند. در این مورد چنانکه ملاحظه خواهد شد بیشتر بر روی نظریه‌ها و روشهایی در روابط بینارشته‌ای اسطوره

و ادبیات- هنر متمرکز شده است. دانشهای دیگر نیز به مطالعه اسطوره پرداخته‌اند و حتی مطالعات خویش را بر روی پیکره ادبی و هنری نیز اختصاص داده‌اند، مانند روانشناسی یا نشانه‌شناسی، همچنین فلسفه و جامعه‌شناسی، اما در موضوع نوشتار حاضر قرار ندارند و نیاز به اثری مستقل دارند. اثر حاضر بر طرح نظرات چند تن از مهمترین اسطوره‌شناسان و محققان اسطوره‌ای در حوزه ادبیات و هنر بسنده کرده است. این نظریه-روشها عبارتند از:

- تمثیلی توسط گروزر
- تطبیقی فیلولوژیک توسط ماکس مولر
- تطبیقی کنشگرایانه توسط ژرژ دومزیل
- تک اسطوره توسط جوزف کمبل
- گونه‌شناسانه توسط نورتروپ فرای
- اسطوره‌سنجی توسط ژیلبر دوران و پیر برونل
- اسطوره‌کاوی توسط دونی دو روزمون، ژیلبر دوران و هربر فیشر
- بوطیقای اسطوره‌ای توسط پیر برونل و دومینیک زلی

همچنین کوشش شده تا اثر در حاضر به معرفی و کاربرد نظریه‌های ارائه شده توسط محققان بالا که همگی غربی هستند بسنده نشود. به همین رو مؤلف نوشتار حاضر نیز دو نظر تازه را که فکر می‌کند برای مطالعه اسطوره‌ها به خصوص اسطوره‌های بومی تناسب بیشتر دارند، صورت‌بندی و معرفی کرده است که عبارتند از:

- اسطوره متن
- سراسطوره

این مطالب طی چندین سال تدریس به ویژه در کلاسهای مطالعات تطبیقی هنر و در کارگاههای نقد اسطوره‌ای ادبیات و هنر به تدریج شکل گرفته‌اند. بی‌تردید افراد زیادی به شکل‌های گوناگون در شکل‌گیری و انتشار آن مرا یاری کرده‌اند. در اینجا لازم می‌بینم از سرکار خانم کنگرانی و آقای عوض‌پور برای بازخوانی و سرکار خانم مهناز بهمن برای ویرایش این اثر نیز تشکر نمایم. همچنین از سرکار خانم وحدت برای صفحه‌آرایی و ناشر محترم جناب آقای اصغر علمی نیز متشکرم. بی‌شک اثر حاضر دارای کاستیهایی است که یادآوری آنها موجب اقبال و قدردانی از سوی اینجانب خواهد شد.

بهمن نامور مطلق

هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

تعریف اسطوره، گونه‌شناسی اسطوره و همچنین بررسی انواع اسطوره‌پژوهی‌ها هر کدام به تنهایی موضوعی دشوار، حتی بسیار دشوار، محسوب می‌شوند که این فصل قصد دارد - و لازم است - به عنوان مقدمات و کلیات به همه آنها هر چند به طور مختصر بپردازد. از همین روی شاید فصل حاضر بر خلاف اغلب فصلهای پسین، متنوع و حتی تا حدی متشتت به نظر آید که دلیل آن این است که نوشتار حاضر در پی تبیین تمامی این موضوعات متنوع نبوده بلکه می‌خواهد نقطه‌بخشی از آنها را مورد مطالعه کم و بیش دقیق و عمیق خود قرار دهد. در این خصوص نخست به تعریف اسطوره پرداخته خواهد شد و همانطوریکه در ادامه مشخص می‌گردد، هر مطالعه‌ای در حوزه اسطوره ابتدا لازم است تعریفی که بر پایه آن تحقیق خود را انجام می‌دهد مشخص و معرفی کند چرا که اسطوره از جمله واژه‌هایی است که بسیار چند معنا بوده و این چند معنایی چنان است که حتی برخی از این معانی در مقابل و تضاد هم قرار می‌گیرند که از این بابت ابتدا چند تعریف از خاستگاههای گوناگون ارائه شده و سپس تعریفی که این نوشتار بیشتر بر پایه آن استوار است معرفی می‌گردد.

البته به دلیل اینکه در هر یک از فصول پسین به یکی از نظریه‌ها و نقدهای اسطوره‌ای پرداخته خواهد شد به طبع در خصوص تعریف اسطوره در هر یک از این نظریه‌ها نیز توضیحاتی در ادامه خواهد آمد.

برای یافتن یک تعریف نسبتاً مشابه از میان انواع نظریه‌ها، این نوشتار بر نظرات ژیلبر دوران متمرکز خواهد شد. ژیلبر دوران در مجموعه آثاری که به تخیل اختصاص داده نظامی - کم و بیش کامل - تدوین کرده است که از بازتابهای نخستین تا اسطوره‌ها و تمثیلات گسترش پیدا می‌کند که از همین روی - جهت فهم درست این نظام - لازم است از قوه‌ها، کهن‌الگوها (سرنمون‌ها) و نمادها گذر کرد. لازم به ذکر است که این تعریف به عنوان مهمترین و اصلی‌ترین تعریف این نوشتار استفاده می‌شود، البته چنانکه گفته شد در بررسی هر نظریه‌ای به طور طبیعی باید تعریف ارائه شده از اسطوره و قلمرو آن از نو معرفی گردد.

پس از آن بخشی دیگر از فصل حاضر به گونه‌شناسی اسطوره‌ها اختصاص پیدا خواهد کرد، که این موضوع برای شناخت بهتر اسطوره به ویژه با تفاوت‌هایی که گذر زمان همچنین تنوع نگرش از سوی تخصص‌های گوناگون ایجاد می‌کنند، لازم به نظر می‌رسد. به واقع رابطه اسطوره‌ها با زمان چیست؟ آیا اسطوره‌ها متعلق به دوره‌ای خاص هستند یا همواره حضور دارند و هر آینه می‌توان شاهد تکوین اسطوره‌ای نو بود؟ و اگر هر دوره‌ای توانایی زایش اسطوره‌ها را دارد آیا اسطوره‌های بنیادین و اسطوره‌های میانی یا مدرن با هم تفاوت‌های اساسی دارند؟ در این قسمت علاوه بر مطالعه مسایلی از این دست، به اسطوره‌های ادبی و هنری و تفاوت آن با دیگر اسطوره‌ها نیز پرداخته خواهد شد. موضوع اسطوره‌ها و نظامهای نشانه‌ای نیز مبحث دیگر و مهم این قسمت خواهد بود.

اسطوره دارای مواضع یا جایگاه‌های متفاوتی است که این مطلب از مسائل اصلی و کانونی نوشتار حاضر محسوب می‌شود. اسطوره گاه موضوع تحقیق و گاه رویکردی برای مطالعه است. اما همین اسطوره گاهی نیز دانشی از دانشهای علوم انسانی محسوب می‌شود. چنانکه خواهیم دید یکی از مشکلات اسطوره‌پژوهی همانا عدم تفکیک میان این مواضع و جایگاههای سه گانه است. اسطوره موضوع بسیار بلکه همه دانشهای انسانی است و تقریباً هر دانشی با نگرش و روش خاص خود به مطالعه اسطوره پرداخته است. اما اسطوره‌شناسی دانش مستقلی تلقی می‌گردد که موضوع اصلی و کانونی آن اسطوره می‌باشد. موضوع نوشتار حاضر همین دانش اسطوره‌ای است و به همین دلیل به مطالعه اسطوره در دانشهایی همچون روانشناسی، جامعه‌شناسی و فلسفه یا نشانه‌شناسی نمی‌پردازد.

در قسمت بعدی به موضوع بسیار مهم این فصل یعنی انواع اسطوره‌پژوهی توجه شده است. به عبارت دیگر در قسمت یاد شده، این پرسش مطرح می‌شود که اسطوره‌پژوهی‌ها به چه نحو یا گونه‌هایی انجام می‌گیرند؟ و در اینجا است که ما میان اسطوره‌نگاری، مطالعه اسطوره‌ای و اسطوره‌شناسی تمایز قائل می‌شویم. این دسته‌بندی از آن جهت بسیار مهم است که نوشتار حاضر به هیچ وجه به اسطوره‌نگاری که شاخه‌ای مهم از اسطوره‌پژوهی است نمی‌پردازد، به مطالعه اسطوره‌ای کمی توجه دارد، اما به طور عمده تلاشش مصروف اسطوره‌شناسی، تاریخ و همچنین شاخه‌های آن خواهد شد. و در پایان کوشش می‌شود تا طرح پژوهش در حوزه اسطوره‌شناسی ارائه گشته و بدین وسیله نقشه و ساختار اثر حاضر ترسیم گردد.

تعریف

اسطوره همانند دیگر واژه‌ها و مفاهیم کهن و باستانی دارای معانی گوناگون است. این ویژگی چند معنایی در اسطوره از دیگر واژه‌ها و مفاهیم به مراتب بیشتر وجود دارد که همین امر موجب دشواری در تعریف و تحقیق در این حوزه شده است. از اینجاست که اسطوره دارای یک تعریف ویژه و معین نیست. بلکه تعاریف بسیار متنوعی دارد که بدون توجه به این تنوع هر تحقیقی دچار مشکل و اغلب تناقض گویی می‌شود. چنانکه ملاحظه خواهد شد میان اسطوره از دیدگاه فروید با اسطوره از دیدگاه یونگ یا اسطوره از دیدگاه لوی-استروس با اسطوره از دیدگاه رولان بارت و یا اسطوره در آثار الیاده یا اسطوره در آثار برونل تفاوتها گاهی چنان فاحش هستند که گویی این میان فقط یک اشتراک لفظی وجود دارد. بر این اساس لازم است هر تحقیقی در مورد اسطوره با تعریف شروع شود تا معلوم گردد اسطوره - در آن تحقیق - در کدام معنا به کار می‌رود. و از این روی، شاید، در این خصوص نخستین پرسشی که مطرح می‌شود این باشد که اسطوره را چگونه و با چه عنصری می‌توان تعریف کرد.

شاید مناسب آن باشد که پیش از هر چیزی یک بررسی کوتاه لغت‌شناسانه از اسطوره صورت پذیرد. اسطوره واژه‌ای است که امروزه به عنوان معادل میت (mythe) لاتین استفاده قرار می‌شود. که بنابر این بهتر است نخست به اختصار در مورد این واژه لاتین و ریشه‌ها و معانی آن سخن گفته شود. واژه میت خود از واژه کهن یونانی یعنی میتوس (mythus) برگرفته شده است و میتوس به معنای روایت، گاهی نیز افسانه، به کار برده شده است. این واژه به نوبه خود در مقابل برخی از واژه‌ها قرار می‌گیرد که همین تقابل می‌تواند در شناخت بهتر معنای آن کمک کند. یکی از این واژه‌ها همانا لوگوس

است. این واژه آخری یعنی لوگوس به معنای نظم و زبان نیز به کار گرفته شده و خود در مقابل کائوس (chaos) قرار می‌گیرد که بر این اساس میست دست کم از تمام قواعد لوگوس تبعیت نمی‌کند. یکی دیگر از واژه‌هایی که نباید آنرا با میت یکی انگاشت هیستوریا (historia) است. هیستوری نیز به معنای گوناگون حتی متضاد همچون گزارش، جستجو، تاریخ و افسانه استفاده شده است. چنانکه ملاحظه خواهد شد واژه میت در غرب به دلیل عمر طولانی و بسیار طولانی خود معنای گوناگونی دارد و در زمره پرمعنائترین واژه‌های لاتینی محسوب می‌شود و دشواری آن هنگامی بیشتر می‌شود که معلوم گردد گاهی این معانی به طور متضاد در مقابل هم قرار می‌گیرند.

از طرفی این مشکل به دلایلی که گفته خواهد شد در حوزه مطالعاتی ایرانی-اسلامی بیشتر می‌شود. زیرا نه فقط همان دشواریهای واژه لاتین را با خود دارد بلکه به جهت اینکه این واژه در قرآن کریم نیز آمده است موجب شده تا چندمعنایی آن به مراتب افزونتر گردد. در قرآن واژه اسطوره به شکل جمع آن یعنی «اساطیر» در سوره انعام به کار گرفته شده است و آن هنگامی است که کافران به همانندی میان قصص قرآن و داستانهای افسانه‌ای پرداخته‌اند. در این سوره چنین آمده است: «بعضی از آنها به شو گوش می‌دهند، ولی ما بر دل‌هایشان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را در نیابند و گوش‌هایشان را سنگین کرده‌ایم. و هر معجزه‌ای را که بنگرند بدان انسان نمی‌آورند. چون نزد تو آیند با تو به مجادله پردازند. کافران می‌گویند که اینها چیزی جز اساطیر پیشینیان نیست» (سوره انعام آیه ۲۵). همان طور که از متن آیه نیز بر می‌آید اساطیری بودن قصه‌های قرآنی اتهامی بوده که

کافران به قرآن و قصه‌های آن می‌زدند. البته روایت‌هایی نیز در خصوص داستانهای اسطوره‌ای وجود دارد که نیاز به مبحثی مستقل دارد.

مسئله‌ای که در اینجا مد نظر است به چگونگی معادل‌گذاری واژه «اسطوره» برای «میت» بازمی‌گردد. همانطوریکه اغلب محققان در این حوزه به آن اشاره داشته‌اند اساطیر از واژه یونانی هیستوری برگرفته شده است و نه میت. بنابر این اسطوره معادل هیستوری به معنای تاریخ و داستان است. متأسفانه در ترجمه‌هایی که در دوران متأخر صورت گرفته است به جای اینکه اساطیر را معادل هیستوری در نظر بگیرند معادل میت در نظر گرفته‌اند که شاید علت اصلی توجه به مضامین این واژه در دوره‌ای بوده که این معادل‌یابی انجام گرفته است اما در هر صورت این معادل‌یابی اشتباه از سوی مترجمان دوران متأخر موجب سوء تفاهمی بزرگ در حوزه مطالعات اسطوره‌ای در جهان ایرانی- اسلامی شده به شکلی که اسطوره‌شناسی را در مقابل قصه‌شناسی قرآنی قرار داده است.

گرچه بخشی از اساطیرالاولین را می‌شود در همین داستانهای اسطوره‌ای نیز مشاهده نمود اما مناسب است یادآوری شود که دامنه معنای واژه میت بسیار بیشتر از آنچه‌ی است که در جهان اسلام و ایران به نام اسطوره می‌شناسیم. از آنجایی که این موضوع خود بحث مفصلی دارد که باید در جای خود راجع به آن سخن گفت به اختصار چنین باید گفت که: نمی‌توان تمام میت یا مباحثی را که امروزه با عنوان اسطوره ارائه می‌شود به واژه قرآنی اساطیر که همواره بار منفی دارد حمل کرد. این قضیه کمی شبیه واژه «قیاس» است که نزد فلاسفه و منطق‌یون با فقها و کلامیون متفاوت است. کوتاه سخن اینکه، باید واژه اسطوره نزد اسطوره‌شناسان را از واژه اساطیر نزد علما متمایز کرد.